

AS



Roses and Champagne

Ep 2

Translator

strawberry

Editor

matin

@AOISEKAI

انتظار نداشتم الان
مهمون داشته باشی.

شرمندم که وقتی
سرت شلوغه، اومدم



باید به چیزی رو سریع
به دستتون میرسوندم.



ها؟



مطمئنم این همون
پاروعه که دیدم...



AS

فکر نکنم منو
یادش باشه.

دفعه قبل بهتون گفتم
ولی بهم جوابی ندادید.

اول میخوام برم
سر اصل کار.



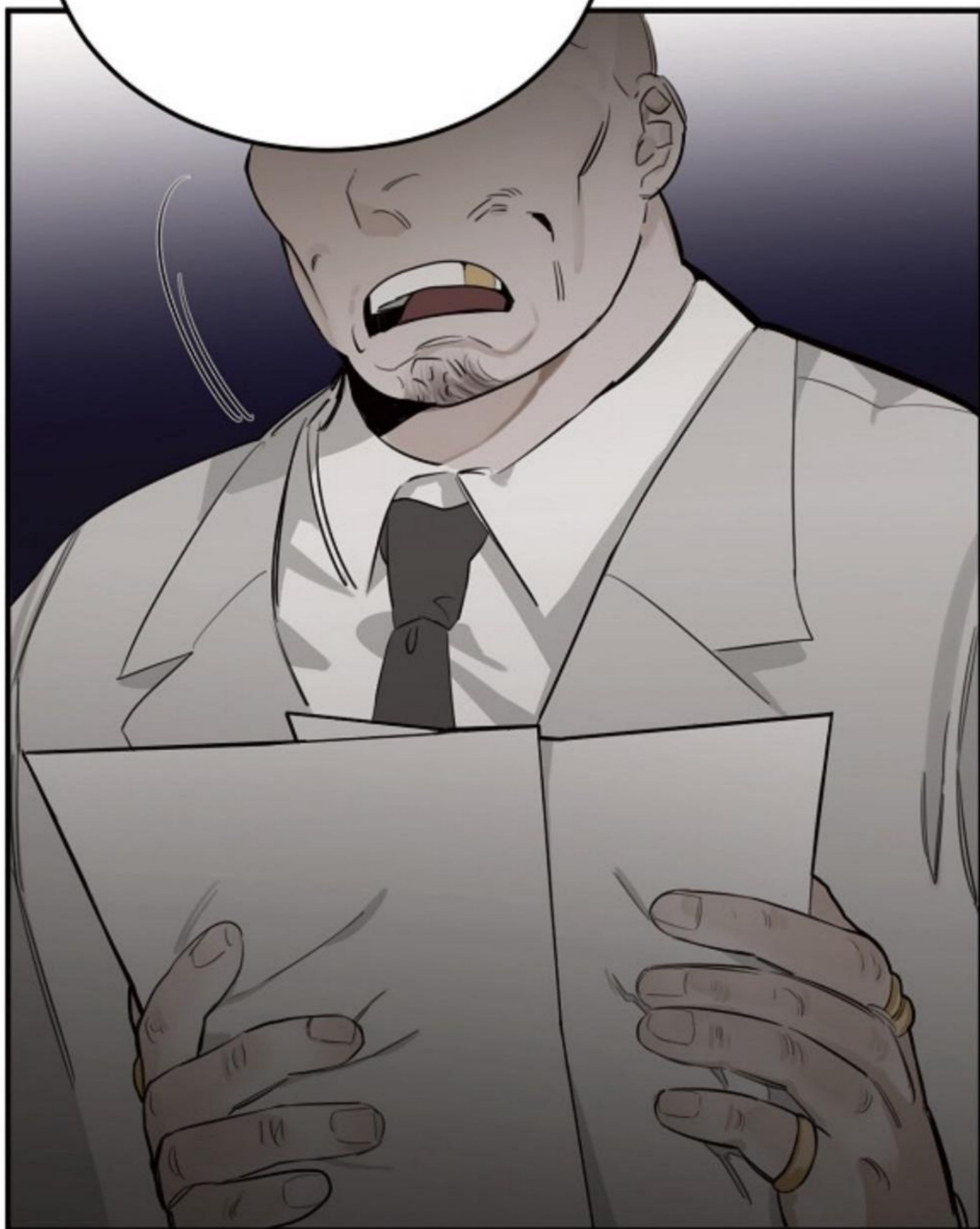
اول یه فرم تکمیلی

و بعدی درخواست
دادخواست.

Slam



مدارک رو مرتب کردم.



وقتی کارتون تموم شد
حتما نگاهشون کنین.



وکیل احمق...

چطور جرئت میکنی
اینکارو با من میکنی؟!



Beam



خب، همونجور که
گفتی من به احمق

نیاز نیست نگران باشی!
کارمون زود تموم میشه.



هآه، پیا امروز رو
همینجا تموم کنیم.



این یارو په مدته
په زل زده...

اون کیه؟

رابطت پا گرگ زدانو چپه؟





مخیلی دوس دارم ڀڊونم.

سلام، من جونگ
لی وون هستم.

همونطور که میبینی،
یه وکیللم.





اسم کا پسرہ.



متوجهم...

خوشبخت شدم،
دیگه میرم.



امیدوارم زود جوابی
به دستم برسه.

Clack



Du-Dun



اون آشغال كله تشیری!

چطور توندست این
کارو جلوی من بکنه؟!



چرا آرومی؟!

Fuuuu — ..

مطمئنم میپره وسط کار اگه
سریع به این قضیه نرسی!

متوجهم.



Clack

لعنتی...

آه



اون مرد...

هاله ترسناکی داره.

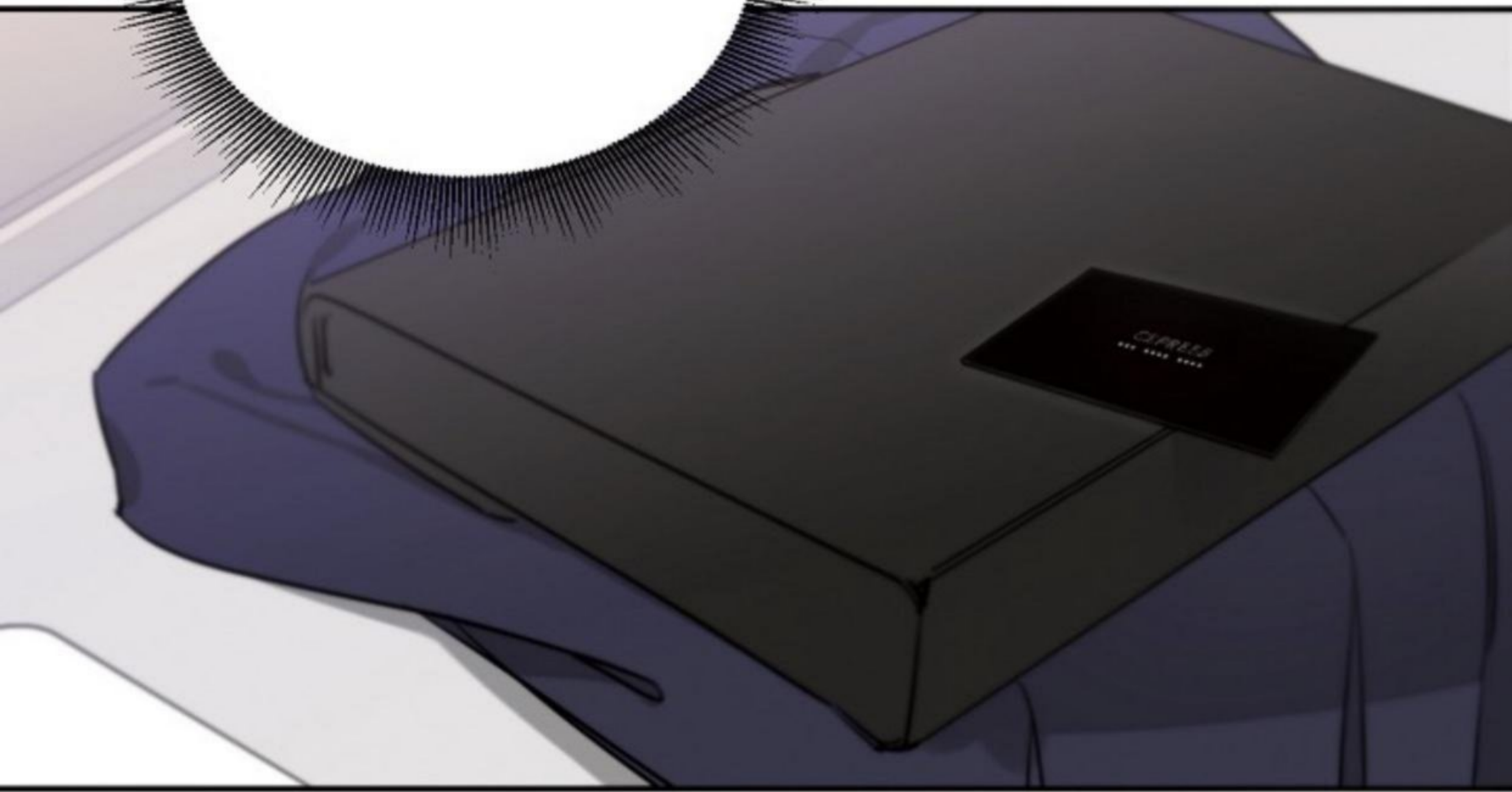
پر خلاف مردمی که اطرافم میپینم،
چو دور اون مرد ترسناک بود،
وایپ یه گرگ رو میداد.



و من...



اون کارت...



وایسا بینم، نگو که...

مافیاعه؟



نیکولای

[موکل جونگ لی وون]

مطمئن نیستم اما...

با یه مرد عجیب دیدمش.



میشناسیش؟

نه، نمیدونم،
اما این کارت...



سرگیویچ، یکی از
بزرگترین گروه های مافیا

اگه به کارت نگاه کنی،
فکر کنم فقط یکی تو همچین
رتبه ای میتونه چنین کاری کنه.

اوه، اوکی.

AS

خب، حالا میگی
من چیکار کنم؟

من، من احتمالا، اوه...

ممکنه دفاع از
کارگاه سخت باشه

بجاش، داره خرابکاری
میکنه برای یه چیز_
غیر منصفانه.

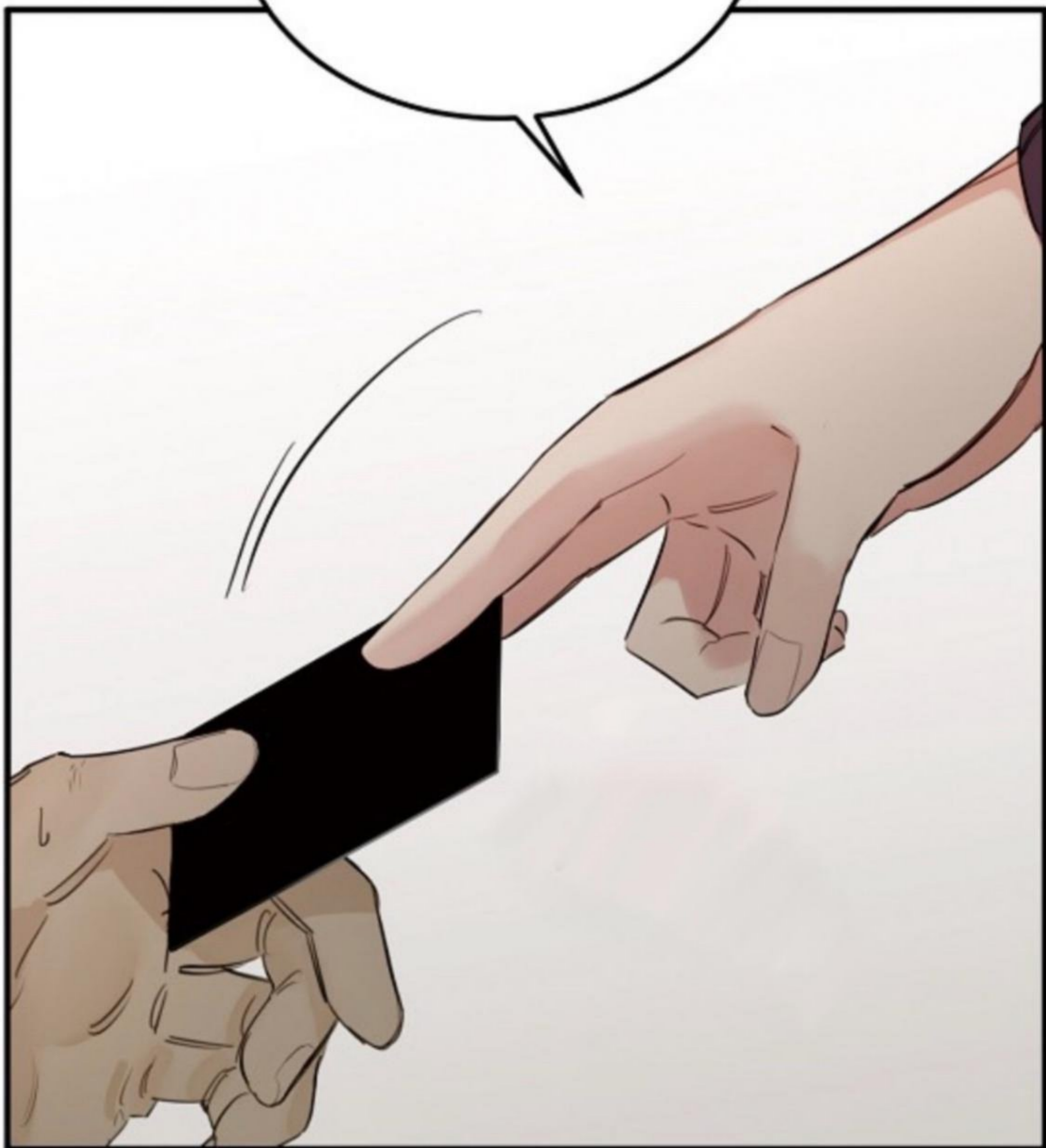


چای؟!

اما، زدانو هیچوقت
گوش نمیده.

نه، اون نیست.

از الان به بعد



میوفتم به فکر_
رفتن تو مافیا.

پوزخند





یه هدیه از طرف
گرگ زدانو



هوم..

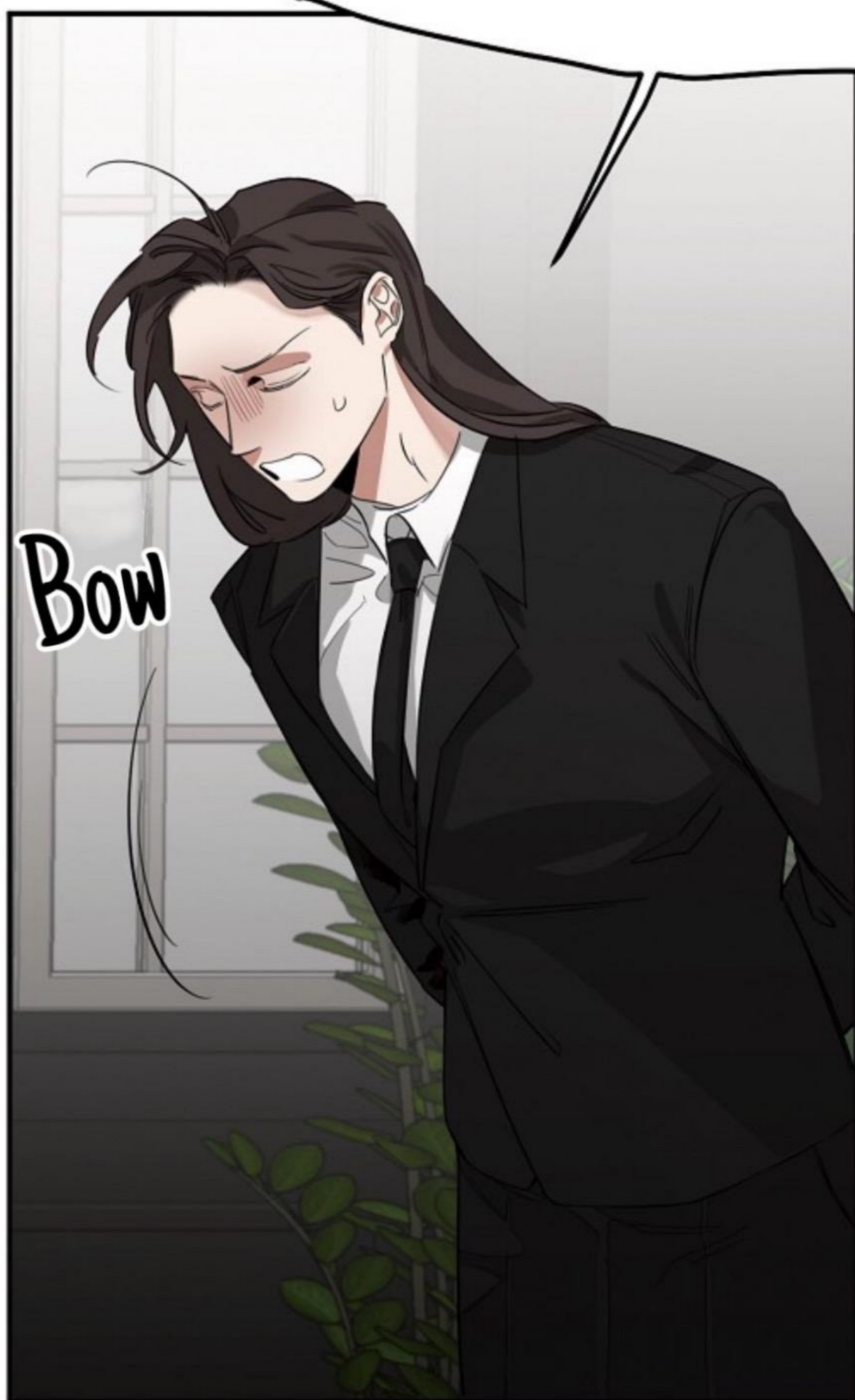
هیچوقت فکر نمیکردم،
عادت داری خودکار های
جوهری جمع کنی.



متاسفم!...

زدانو پرسید چی دوس دارین
تا به عنوان هدیه بهتون بدن،
و من فکر کردم موردی نداره.

Bow



ممکنه که...هدیه رو
دوس داشته باشین؟



نه، دوستش دارم.



بخاطر همین حتی
بیشتر اذیت کنندس.



دفعه بعد بیشتر
مراقب خواهم بود...

متاسفم کایسر

یکی اومده تو رو
بینه و تو قول دادی_



کیه؟ امروز برنامه_
کایسر رو چک کردم.

وکیل یه مرد
به اسم نیکولایه.

چه زمانیدی پدی.

بگو الان نمیتونم
حرف بزنم.

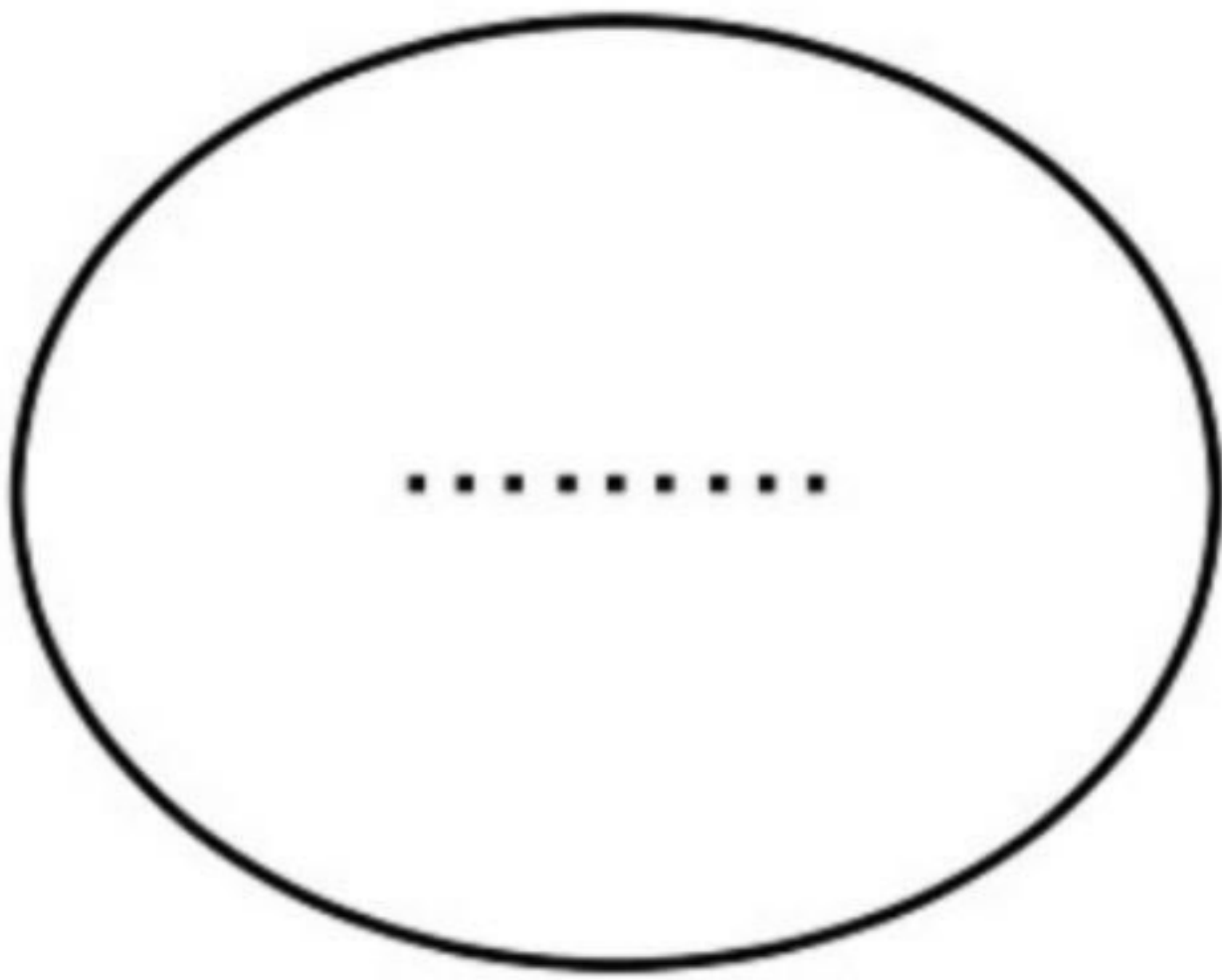


این رو هم
برگردون.

...هه

اوه، من ميکنم.





قلم
قلم



باید مرد شلوغی
باشی، آقای کایسر.



مطمئنم قبلش باهاشون
هماهنگ کردم.

همش بهم
دروغ میگی.

لباسه

این مشکل سازه.

بهت گفتم نمیخوام
الان حرف بزنم.



من فقط الان
وقت دارم.



راجبه کارگاهی که
آقای زدانو میخواد بگیره.

قدم

شما میتونین روی تصمیم-
اعضای پارلمان تأثیر بزارین!

میدونین که من وکیل آقای
نیکولای هستم، درسته؟



ما همو تو دفتر سناتور دیدیم.

انگاری یادم نیست.

خنده



بد شد که... چرا یکم
تأثیرگذارتر نبودم.



정



크림

적

AS





تیلے کشیدن

حالا يادت ميااد



م.ت: اوفیییییییش سینه بزنین،
سینه نزنین از ما نیستین.

ا.د: وایییی فدایی چه ددی شد یهو (:

.....

آره، این دفه،

مطمئنم یادم هست.



هاه...

داری به شهردار
کمک میکنی.



واضح، پس دیگه
ازت نمیپرسم.

دستگیری به قانون مدار
با به عالمه شایعه...

فکر کنم خیلی طبیعی.



اونایی که بهش کمک کردن،
از چک کردن سوابق گذشته
نمیتونن در برن.

این اطلاعات،

به عنوان یه عضو مافیا،
امیدوارم بتونی
نفعشون رو بسنجی.



تا سه روز دیگه،
در جریانم بزار لطفا.

قَامَ قَامَ

خب، دفه بعد میبینمت.



آقای کایسر

악



حالتون خوبه قربان؟

چطور جرئت کرد
همچین کاری بکنه!



اگه بهم بگین چیکار کنم،
زود برمیگردم.

م.ت: منظور ش اینه که بره
یه بلایی سر خوشگلمون بیاره

من اینو پس نمیدم.

چی؟



راجبش اطلاعات پیدا کن.

DU-DUN ...

اطلاعات خانواده، مکان تولد،
مدرسه هاش، حتی تعداد
کتاب هایی که داشته.

من همیشه...



همیشه میخواستم
یه بیر بزرگ کنم.